

تلاش خاندان اسد برای بازگشت به قدرت

بنابر یافته‌های تحقیقات رویترز، وفاداران پیشین بشار اسد که پس از سقوط حکومت از سوریه گریخته‌اند، در حال انتقال میلیون‌ها دلار به ده‌ها هزار مبارز احتمالی هستند؛ اقدامی که با هدف دامن زدن به قیام‌هایی علیه دولت جدید و بازپس‌گیری بخشی از نفوذ از دست‌رفته‌شان انجام می‌شود.بر اساس گفته چهار نفر از نزدیکان خانواده، اسد که دسامبر گذشته به روسیه گریخته است، عمدتاً با تبعید در مسکو کنار آمده است. اما دیگر چهره‌های ارشد از حلقه نزدیکان او، از جمله برادرش، هنوز با از دست دادن قدرت کنار نیامده‌اند.دو تن از نزدیک‌ترین افراد به اسد، سرلشکر کمال حسن و میلیاردر رami مخلوف، در تلاش‌اند در سوریه‌ساحلی ولبنان، شبه‌نظامیانی از اعضای جامعه علوی -اقلیتی که مدت‌ها با خانواده اسد پیوند خورده بود - تشکیل دهند. بنا بر یافته‌های رویترز، این دو در رقابتی مستقیم قرار دارند. در مجموع، این دو نفر و گروه‌های دیگر که برای قدرت می‌جنگند، بیش از ۵۰ هزار مبارز را تأمین مالی می‌کنند به این امید که وفاداری آنها را به دست آورند.برادر اسد، ماهر، که او نیز در مسکو به سر می‌برد و همچنان هزاران سرباز سابق را تحت کنترل دارد، تاکنون نه پولی داده و نه فرمانی صادر کرده است، به گفته چهار نفر از نزدیکان خانواده اسد.یکی از جویای احتمالی برای حسن و مخلوف، کنترل شبکه‌ای از ۱۴ اتاق فرماندهی زیرزمینی است که در اواخر دوران حکومت اسد در مناطق ساحلی سوریه ساخته شد، همراه با انبارهای تسلیحات. دو افسر و یک استاندار منطقه‌ای سوریه وجود این اتاق‌های مخفی را تأیید کرده‌اند؛ جزئیاتی که در عکس‌هایی که رویترز مشاهده کرده نیز دیده می‌شود. حسن، که رئیس اطلاعات نظامی بشار بود، بی‌وقفه با فرماندهان و مشاوران تماس می‌گیرد و پیام‌های صوتی می‌فرستد. او در این پیام‌ها از نفوذ دست‌رفته‌اش خشمگین است و چشم‌اندازهای بزرگ‌نمایی‌شده‌ای از شیوه حکمرانی خود بر ساحل سوریه — که محل زندگی بخش بزرگی از جمعیت علوی و پایگاه قدرت پیشین اسد بود — ترسیم می‌کند.مخلوف، پسرعموی خانواده اسد، زمانی از امپراتوری خود برای تأمین مالی دیکتاتور در طول جنگ داخلی استفاده کرد، اما در نهایت با بستگان قدرتمندترش دچار اختلاف شد و سال‌ها در حبس خانگی به سر برد. او اکنون در گفت‌وگوها و پیام‌ها خود را به‌عنوان چهره‌ای مهدوی تصویر می‌کند که پس از آغاز یک نبرد نهایی آخرالزمانی، به قدرت بازخواهد گشت. حسن و مخلوف به در خواست‌های رویترز برای اظهارنظر درباره این گزارش پاسخ ندادند. امکان تماس با بشار و ماهر اسد نیز فراهم نشد. رویترز همچنین از طریق واسطه‌ها به دنبال دریافت نظر دو برادر اسد بود که پاسخی ندادند. حسن و مخلوف در تبعید خود در مسکو، سوریه‌ای تکه‌تکه‌شده را تصور می‌کنند و هر یک خواهان کنترل مناطق عمده‌ا علوی‌نشین هستند. بنا بر یافته‌های رویترز، هر دو میلیون‌ها دلار صرف تلاش‌های رقیبانه برای ساخت نیروهای نظامی کرده‌اند. معاونان آنها در روسیه، لبنان و امارات متحده عربی حضور دارند.برای مقابله با این توطئه‌گران، دولت جدید سوریه یکی دیگر از وفاداران سابق اسد — دوست دوران کودکی رئیس‌جمهور جدید، احمد الشرع، که در ابتدا فرمانده یک نیروی شبه‌نظامی برای اسد شد و سپس پس از پشت کردن دیکتاتور به او، در میانه جنگ تغییر موضع داد — را به کار گرفته است. وظیفه آن شخص، خالد الاحمد، این است که سربازان و غیرنظامیان علوی سابق را قانع کند آینده آنان با «سوریه جدید» گره خورده است.»(این ادامه جنگ قدرت درون رژیم اسد است)، انصار شاهپود، پژوهشگری که بیش از یک دهه رژیم دیکتاتوری را مطالعه کرده، می‌گوید. «این رقابت اکنون هم ادامه دارد، اما هدف دیگر راضی کردن اسد نیست؛ بلکه تلاش برای یافتن جایگزین او و کنترل جامعه علوی است.»جزئیات این دسیسه‌ها بر اساس مصاحبه با ۴۸ فرد دارای آگاهی مستقیم از برنامه‌های رقیب تدوین شده است. همه به شرط ناشناس ماندن صحبت کردند. رویترز همچنین سوابق مالی، اسناد عملیاتی و مجموعه‌ای از پیام‌های صوتی و متنی را بررسی کرده است.استاندار منطقه ساحلی طرطوس، احمد الشامی، گفت مقامات سوریه از خطوط کلی این طرح‌ها آگاه‌اند و آماده مقابله با آنها هستند. او وجود شبکه اتاق‌های فرماندهی را نیز تأیید کرد، اما گفت این شبکه تضعیف شده است.الشامی در پاسخ به پرسش‌های رویترز درباره این توطئه‌ها گفت: «ما مطمئنیم آنها نمی‌توانند کاری مؤثر انجام دهند، با توجه به اینکه ابزارهای قدرتمندی در زمین ندارند و توانایی‌هایشان ضعیف‌است.»

عکس: TheNewYork Times



قرائت مونرویی ترامپ از جهان

هم میهن متن کامل سند استراتژی امنیت ملی آمریکا را منتشر می‌کند

گروه بین‌الملل: سند استراتژی امنیت ملی آمریکا از بسیاری

جہات اهمیت دارد. نخست اینکه پیامی است که آمریکا به همه کشورهای دنیا ارسال می‌کند و چارچوب‌های سیاست‌های خود را اعلام می‌کند. دوم اینکه از آنجایی که آمریکا قدرت غالب در سراسر جهان است، بنابراین سیاست‌هایش نیز به‌طور طبیعی برای سراسر جهان اثرگذار است. بنابراین این سند می‌تواند بر روی استراتژی دیگر کشورهای جهان نیز اثرگذار باشد. روزنامه هم‌میهن، با هدف اطلاع‌رسانی، متن این سند را بدون هیچ حذف و اضافه‌ای منتشر می‌کند.

▼ استراتژی آمریکا چیست؟

۱. چگونه «استراتژی» آمریکا به بیر اهره رفت

برای اطمینان از اینکه آمریکا برای دهه‌های آینده قوی‌ترین، ثروتمندترین، قدرتمندترین و موفق‌ترین کشور جهان باقی بماند، کشور ما به یک استراتژی منسجم و متمرکز برای نحوه تعامل با جهان نیاز دارد و برای رسیدن به این هدف، همه آمریکایی‌ها باید بدانند که دقیقاً چه کاری را انجام می‌هیم و چرا.

«استراتژی» یک برنامه مشخص و واقع‌بینانه است که ارتباط اساسی بین اهداف و ابزارها را توضیح می‌دهد: این برنامه از ارزیابی دقیق آنچه مطلوب است و ابزارهای موجود یا ابزارهایی که می‌توانند به طور واقع‌بینانه ایجاد شوند تا به نتایج مطلوب برسند، آغاز می‌شود.

یک استراتژی، باید ارزیابی، دسته‌بندی و اولویت‌بندی داشته باشد. هر کشور، منطقه، موضوع یا ارمانی – هر چقدر هم که ارزشمند باشد – نمی‌تواند محور استراتژی آمریکا باشد. هدف سیاست خارجی، حفاظت از منافع ملی اصلی است؛ این تنها محور این استراتژی است.

استراتژی‌های آمریکا از پایان جنگ سرد تاکنون ناکام بوده‌اند- این استراتژی‌ها فهرست‌های طولانی از آرزوها یا حالت‌های هدف مطلوب بوده‌اند؛ به وضوح آنچه را که می‌خواهیم تعریف نکرده‌اند، بلکه در عوض کلیشه‌های مبهمی را بیان کرده‌اند و اغلب در مورد آنچه باید بخواهیم، اشتباه قضاوت کرده‌اند.

پس از پایان جنگ سرد، نخبگان سیاست خارجی آمریکا خود را متقاعد کردند که سلطه دائمی آمریکا بر کل جهان به نفع کشور ماست. با این حال، امور سایر کشورها تنها در صورتی مورد توجه ماست که فعالیت‌های آنها مستقیماً منافع ما را تهدید کند.

نخبگان ما در مورد تمایل آمریکا به تحمل همیشگی مسئولیت‌های جهانی که مردم آمریکا هیچ ارتباطی بین آنها با منافع ملی نمی‌دیدند، به شدت اشتباه محاسبه کردند. آنها توانایی آمریکا را برای تأمین مالی هم‌زمان یک دولت عظیم رفاهی-نظارتی -اداری در کنار یک مجموعه عظیم نظامی، دیپلماتیک، اطلاعاتی و کمک‌های خارجی، بیش از حد ارزیابی کردند. آنها قمارهای بسیار نادرست و مخربی را بر روی جهانی شدن و به اصطلاح «تجارت آزاد» بنا نهادند که طبقه متوسط و پایگاه صنعتی که برتری اقتصادی و نظامی آمریکا به آن وابسته است را از بین برد. آنها به متحدان و شرکا اجازه دادند تا هزینه دفاع از خود را بر دوش مردم آمریکا بیندازند و گاهی اوقات ما را درگیر درگیری‌ها و جنجال‌هایی کنند که برای منافع آنها مهم است اما برای منافع ما حاشیه‌ای یا بی‌ربط است و آنها سیاست آمریکا را به شبکه‌ای از نهادهای بین‌المللی وابسته کردند؛ که برخی از آنها کاملاً ضدآمریکایی هستند و بسیاری دیگر از اجزای این استراتژی به دلیل فراملی‌گرایی صریحاً به دنبال انحلال حاکمیت فردی دولت بودند. در مجموع، نخبگان ما نه تنها یک هدف اساساً نامطلوب و غیرممکن را دنبال کردند، بلکه با انجام این کار، ابزار لازم برای دستیابی به آن هدف را تضعیف کردند: شخصیت ملت ما که قدرت، ثروت و نجابت آن بر اساس آن بنا شده بود.

۲.اصلاح ضروری و مورد نظر رئیس‌جمهور ترامپ

همه این اشتباهات قابل اجتناب بود. دولت اول ترامپ ثابت کرد که با رهبری صحیح و انتخاب‌های درست، می‌توان – و باید – از همه موارد فوق اجتناب کرد و به بسیاری از موارد دیگر دست یافت. او و تیمش با موفقیت نقاط قوت بزرگ آمریکا را برای اصلاح مسیر و شروع عصر طلایی جدید برای کشورمان به کار گرفتند. ادامه دادن ایالات متحده در آن مسیر، هدف اصلی دولت دوم رئیس‌جمهور ترامپ و این سند است.

سوالات پیش روی ما اکنون این است:

۱) ایالات متحده چه باید بخواهد؟

۲) ابزارهای موجود ما برای رسیدن به آن چیست؟

۳) چگونه می‌توانیم اهداف و ابزارها را در یک استراتژی امنیت ملی پایدار پیوند دهیم؟

▼ ما به طور کلی چه می‌خواهیم؟

اول و مهمتر از همه، ما خواهان بقا و امنیت مداوم ایالات متحده به عنوان یک جمهوری مستقل هستیم که دولت آن حقوق طبیعی و خدادادی شهروندان خود را تضمین می‌کند و رفاه و منافع آنها را در اولویت قرار می‌دهد. ما می‌خواهیم از این کشور، مردم آن، قلمرو آن، اقتصاد آن و سبک زندگی آن در برابر حمله نظامی و نفوذ خصمانه خارجی، چه جاسوسی، چه شیوه‌های تجارت غارتگرانه، قاچاق مواد مخدر و انسان، تبلیغات مخرب و عملیات نفوذ، براندازی فرهنگی یا هر تهدید دیگری برای ملت خود محافظت کنیم.

ما خواهان کنترل کامل بر مرزهای خود، بر سیستم مهاجرت خود و بر شبکه‌های حمل و نقلی هستیم که از طریق آنها مردم – به صورت قانونی و غیرقانونی – وارد کشور ما می‌شوند. ما جهانی می‌خواهیم که در آن مهاجرت صرفاً «منظم» نباشد، بلکه جهانی باشد که در آن کشورهای مستقل برای متوقف کردن جریان‌های جمعیتی بی‌ثبات‌کننده به جای تسهیل ورود آنها، با هم همکاری کنند و کنترل کامل بر اینکه چه کسی را می‌پذیرند و چه کسی را نمی‌پذیرند، داشته‌باشند.

ما یک زیرساخت ملی مقاوم می‌خواهیم که بتواند در برابر بلایای طبیعی مقاومت کند، در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کند و آنها را خنثی کند و از هرگونه رویدادی که ممکن است به مردم آمریکا آسیب برساند یا اقتصاد آمریکا را مختل کند، جلوگیری کرده و یا آن را تضعیف کند. هیچ دشمنی یا خطری نباید بتواند آمریکا را در معرض خطر قرار دهد.

ما می‌خواهیم قدرتمندترین، کشنده‌ترین و پیشرفته‌ترین ارتش جهان را استندام، آموزش، تجهیز کرده و به کار بگیریم تا از منافع ما محافظت کند، از جنگ‌ها جلوگیری کند و - در صورت لزوم - به سرعت و قاطعانه، با کمترین تلفات ممکن برای نیروهای ما، در جنگ‌ها پیروز شود. ما ارتشی می‌خواهیم که در آن هر یک از اعضای ارتش به کشور خود افتخار کنند و به مأموریت خود اطمینان داشته باشند.

ما قوی‌ترین، معتبرترین و مدرن‌ترین بازدارنده هسته‌ای جهان، به علاوه سامانه دفاع موشکی نسل جدید - از جمله گنبد طلایی برای سرزمین مادری آمریکا- را برای محافظت از مردم آمریکا، دارایی‌های آمریکا در خارج از کشور و متحدان آمریکایی‌خواهیم.

ما قوی‌ترین، پویاترین، نوآورانه‌ترین و پیشرفته‌ترین اقتصاد جهان را می‌خواهیم. اقتصاد ایالات متحده سنگبنای سبک زندگی آمریکایی است که نویدبخش و ارائه‌دهنده فاه گسترده و فراگیر است. تحرک رو به بالا ایجاد می‌کند و به سخت‌کوشی پاداش می‌دهد. اقتصاد ما همچنین سنگبنای موقعیت جهانی ما و پایه و اساس ضروری ارتش ما است.

ما قوی‌ترین پایگاه صنعتی جهان را می‌خواهیم. قدرت ملی

آمریکا به یک بخش صنعتی قوی وابسته است که قادر به برآورد کردن نیازهای تولیدی در زمان صلح و جنگ باشد. این امر نه تنها مستلزم ظرفیت تولید صنعتی دفاعی مستقیم، بلکه ظرفیت تولید مرتبط با دفاع نیز می‌باشد. پرورش قدرت صنعتی آمریکا باید به بالاترین اولویت سیاست اقتصادی ملی تبدیل شود.

▼ ما در جهان و از جهان چه می‌خواهیم؟

دستیابی به این اهداف مستلزم بسیج تمام منابع قدرت ملی ماست. با این حال، تمرکز این استراتژی بر سیاست خارجی است. منافع اصلی سیاست خار جی آمریکا چیست؟ ما در جهان و از جهان چه می‌خواهیم؟

ما می‌خواهیم اطمینان حاصل کنیم که نیمکره غربی به طور معقولی پایدار و به اندازه کافی خوب اداره می‌شود تا از مهاجرت گسترده به ایالات متحده جلوگیری کند؛ ما نیمکره‌ای می‌خواهیم که دولت‌های آن با ما علیه تروریست‌های مواد مخدر، کارتل‌ها و سایر سازمان‌های جنایی فراملی همکاری کنند؛ ما نیمکره‌ای می‌خواهیم که عاری از تهاجم خصمانه خارجی یا تهاجم به مالکیت دارایی‌های کلیدی باشند و از زنجیره‌های تأمین حیاتی پشتیبانی کنند؛ و ما می‌خواهیم دسترسی مداوم خود را به مکان‌های استراتژیک کلیدی تضمین کنیم. به عبارت دیگر، ما یک «قرائت ترامپی» از دکنترین مونرو را اعلام و اجرا خواهیم کرد.

ما می‌خواهیم آسیب‌های مداومی را که بازیگران خارجی به اقتصاد آمریکا وارد می‌کنند، متوقف و معکوس کنیم، در حالی که اقیانوس هند و اقیانوس آرام را آزاد و باز نگه می‌داریم، آزادی ناوبری را در تمام خطوط دریایی حیاتی حفظ می‌کنیم و زنجیره‌های تأمین امن و قابل اعتماد دسترسی به مواد حیاتی را حفظ می‌کنیم.

ما می‌خواهیم از متحدان خود در حفظ آزادی و امنیت اروپا حمایت کنیم، در عین حال که اعتماد به نفس تمدنی و هویت غربی اروپا را احیای کنیم.

ما می‌خواهیم از تسلط یک قدرت متخاصم بر خاورمیانه، منابع نفت و گاز آن و گلوگاه‌هایی که از آنها عبور می‌کنند، جلوگیری کنیم و در عین حال از ورود به «جنگ‌های ابدی» که ما را در آن منطقه با هزینه گزاف زمین‌گیر کرد، اجتناب کنیم.

ابزارهای موجود آمریکا برای رسیدن به خواسته‌هایمان چیست؟ آمریکا با دارایی‌ها، منابع و مزایای پیشرو در جهان، رشک‌برانگیزترین موقعیت جهان را حفظ می‌کند، از جمله:

► یک سیستم سیاسی همچنان چابک که می‌تواند مسیر را اصلاح کند؛

► بزرگ‌ترین و نوآورترین اقتصاد جهان، که هم ثروتی تولید می‌کند که می‌توانیم در منافع استراتژیک سرمایه‌گذاری کنیم و هم اهرمی بر کشورهای است که می‌خواهند به بازارهای ما دسترسی داشته باشند؛

► سیستم مالی و بازارهای سرمایه پیشرو در جهان، از جمله جایگاه دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی؛

► پیشرفته‌ترین، نوآورانه‌ترین و سودآورترین بخش فناوری جهان که اقتصاد ما را تقویت می‌کند، به ارتش ما برتری کیفی می‌دهد و نفوذ جهانی ما را تقویت می‌کند؛

► قدرتمندترین و توانمندترین ارتش جهان؛

► شبکه گسترده‌ای از اتحادها، با متحدان و شرکای پیمانی در مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان؛

► جغرافیای رشک‌برانگیز با منابع طبیعی فراوان، بدون قدرت رقیب مسلط فیزیکی در نیمکره ما، مرزهای بدون خطر تهاجم نظامی و سایر قدرت‌های بزرگ که توسط اقیانوس‌های پهناور از هم جدا شده‌اند؛

► «قدرت نرم» و نفوذ فرهنگی بی‌نظیر؛

► شجاعت، اراده و میهن‌پرستی مردم آمریکا.

▼ استراتژی

۱. اصول

سیاست خار جی رئیس‌جمهور ترامپ عمل‌گرا است بدون اینکه «عمل‌گرا» باشد، واقع‌گرا است بدون اینکه «واقع‌گرا» باشد، اصول‌گرا است بدون اینکه «ا مان‌گرا» باشد، قدرتمند است بدون اینکه «جنگ‌طلب» باشد، و خوششن دار است بدون اینکه «صلح‌طلب» باشد. این سیاست مبتنی بر ایدئولوژی سیاسی سنتی نیست. انگیزه آن بیشتر چیزی است که برای آمریکا مفید باشد؛ یا به طور خلاصه، «اول آمریکا».

رئیس‌جمهور ترامپ ثابت کرده است که سیاست‌های خارجی، دفاعی و اطلاعاتی آمریکا باید توسط اصول اساسی زیر هدایت شوند:

► **تعریف متمرکز از منافع ملی:** حداقل از پایان جنگ سرد، دولت‌ها اغلب استراتژی‌های امنیت ملی را منتشر کرده‌اند که به دنبال گسترش تعریف «منافع ملی» آمریکا هستند؛ به‌طوری‌که تقریباً هیچ مسئله یا تلاشی خارج از محدوده آن در نظر گرفته نشود. اما تمرکز بر همه چیز به معنای تمرکز بر هیچ چیز نیست، منافع اصلی امنیت ملی آمریکا تمرکز ما خواهد بود.

► **صلح از طریق قدرت:** قدرت بهترین عامل بازدارنده است. کشورها یا سایر بازیگرانی که به اندازه کافی از تهدید منافع آمریکا بازداشته شده‌اند، دیگر این کار را نخواهند کرد. علاوه بر این، قدرت می‌تواند ما را قادر به دستیابی به صلح کند، زیرا طرف‌هایی که به قدرت ما احترام می‌گذارند، اغلب به دنبال کمک ما هستند و پذیرای تلاش‌های ما برای حل مناقشات و حفظ صلح هستند. بنابراین، ایالات متحده باید قدرت اقتصادی را حفظ کند، پیشرفته‌ترین فناوری‌ها را توسعه دهد، سلامت فرهنگی جامعه خود را تقویت کند و توانمندترین ارتش جهان را به کار گیرد.

► **گرایش به عدم مداخله:** بنیانگذاران آمریکا در اعلامیه استقلال، ترجیح روشنی برای عدم مداخله در امور سایر ملل وضع